

تحلیل محتوای زمان «همسایه‌ها»

در حوزه بزهکاری کودک

در پرتویافته‌های جرم‌شناسی*

- بهزاد رضوی فرد^۱
- نجمه نظری^۲
- علی مولاییگی^۳

چکیده

احمد محمود نویسنده‌ای واقع‌گرا و آشنا با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. او در آثارش به ویژه زمان همسایه‌ها از یک‌سو با نگاهی موشکافانه و انتقادی به جرم و جنایت توجه نموده و از سوی دیگر به تشریح زندگی کودکان آسیب‌پذیر و بزهکار پرداخته است. با نگاه به داستان همسایه‌ها با روش تحلیل محتوا و با تمرکز بر روی عامل‌هایی چون سن، جنسیت، موقعیت‌های خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، محل سکونت و... مشخص می‌گردد که نگاه محمود بیشتر متمرکز بر اوضاع اجتماعی خانواده‌های ضعیف بوده و این موضوع

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱.

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) (bzoudlaw.110@gmail.com).

۲. دانشیار ادبیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان (najmenazari@ymail.com).

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (keykhosrow71@yahoo.com).

موجب توجه کمتر آن‌ها به کودکان شده است. از این رو کودکان با همنشینی با دوستان ناباب، وارد دنیای بزهکاری می‌شوند و با کشف بزه‌هایشان از یک سو انگ بزهکار بر پیشانی‌شان خورده و از سوی دیگر اقدام‌های نادرست دستگاه عدالت کیفری مانع بازگشت آن‌ها به دنیای عاری از بزه می‌گردد.

واژگان کلیدی: احمد محمود، ژمان همسایه‌ها، بزهکاری کودکان، جرم‌شناسی نظری، جرم‌شناسی بالینی.

مقدمه

مقایسه میان حقوق و ادبیات در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران غربی قرار گرفته است. همچنین این پژوهشگران تلاش‌های زیادی در بررسی روابط این دو موضوع انجام داده‌اند و امروزه چشم‌انداز تازه‌ای تحت عنوان «جنبش حقوق و ادبیات»^۱ شروع به جوانه زدن کرده است. این جنبش اعتقاد دارد که ادبیات، ما را نسبت به ماهیت انسان‌ها و واقعیت موجود در جامعه حساس‌تر می‌کند و همچنین ادبیات معاصر جهان را از نوع عاشقانه به سمت واقع‌گرایی به ویژه از نوع انتقادی آن به حرکت در می‌آورد (Chang, 2008: 69). واقع‌گرایی انتقادی شامل آثاری است که با نگاهی منتقدانه یا به عرصه وجود گذاشتند. در این آثار، شخصیت‌ها ضمن انتقاد به روابط اجتماعی، در تغییر آن‌ها نیز می‌کوشند. این نوع از ادبیات، حالتی عینی، واقعی، غیر آرمان‌گرایانه و پیام‌آور چیزی جز عریانی میل نویسنده نسبت به شرایط اصیل زندگی و اجتماع نیست؛ آنجا که نویسنده تیزترین انتقادات را بر وضعیت روزمره موجود جامعه وارد کرده و به واقعیت اصیل زندگی می‌پردازد. در جامعه ایرانی هم احمد محمود^۲ آفریننده ژمان معروف همسایه‌ها، از این دست نویسندگان به حساب آمده که در آثارش

1. Law and literature movement.

۲. احمد محمود (احمد اعطاء) در سال ۱۳۱۰ در اهواز متولد شد. پدر او حاج محمد اعطاء، پیشه معماری و خانه‌ای پر از نان‌خور داشت. او ناچار به کار فراوان بود تا بتواند نان ده فرزند خود را بر سر سفره فراهم بیاورد. چنین فضایی موجب تا احمد خردسال، آشنا با درد و رنج خانواده‌های کارگری بار آید (فعله‌گری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). دوران جوانی‌اش، مصادف با سال‌های پرشور و التهاب دهه بیست گذشت. درگیری در سیاست و پیامدهای آن - زندان و تبعید- مجال به پایان رساندن تحصیلات را به او نداد؛ اما از سر گذراندن ماجراهای این دوران، تجربه‌ای برای نگارش ژمان‌های واقع‌گرایانه او شد (میرعابدینی، ۱۳۹۳: ۳۴۷).

از جمله این ژمان، دغدغه و نگرانی‌های خود را مشکلات و گرفتارهای اصلی جامعه می‌داند. در این ژمان، خالد قهرمان اصلی داستان، نوجوانی ۱۵ ساله در قالب شاهدی حساس نسبت به مسائل پیرامون خود، زندگی آدم‌های متنوع خانه همسایه‌نشینی را گزارش می‌دهد. او در پی یک حادثه، راهی کلاتری شده و از آنجا پیغام یک زندانی سیاسی را به رفقاییش می‌رساند. بدین‌سان از میان دیگر نوجوانان خانه شلوغ و پُرمسایه بالا می‌آید و مثل آنان دچار انحراف‌های جنسی و اخلاقی گسترده نمی‌شود؛ بلکه رفته رفته افق‌های تازه‌ای پیش دیدگانش گشوده می‌شود. او نخست شاهدی حاشیه‌نشین بوده است، اما بعدها سعی می‌کند که در تغییرهای پیرامونی‌اش نقش داشته باشد. با کار کردن در قهوه‌خانه‌ی امان‌آقا و آشنایی با دوستانی همانند بیدار، پندار و دیگران، شناخت بیشتری از جامعه یافته و پایش به نشست‌های ملی کردن صنعت نفت باز می‌شود. در همین کنج‌کاو‌ی‌ها و کمک به دوستانش به زندان می‌افتد. چنین محتوای پویایی، موجبات توجه جرم‌شناسانه به این اثر را فراهم می‌کند. علاوه بر محتوا، دلیل‌های گوناگونی برای چرایی‌گزینش محمود و کتاب همسایه‌ها می‌توان بیان نمود: نخست، توجه خاص محمود به کودکان است؛ برای مثال، او در داستان حسرت، رؤیاهای شهوانی پیرمردی کولی را تصویر می‌کند که برای تصاحب نادرتری خود می‌کوشد یا در داستان شهرک‌چک‌ما، راوی در پی شناخت جهان پیرامون از نگاه معصومانه‌ی کودکان است (پاینده، ۱۳۹۵: ۲۲۵-۲۲۹).^۱ دوم، این اثر جزء ده ژمان برتر فارسی محسوب می‌گردد (میرعابدینی، ۱۳۹۳: ۳۷۲/۱). سوم، آثار محمود بر مبنای گوشه‌نشینی و خصلتی که برخی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان کیفری داشتند و از آن تحت عنوان خصلت میل‌نشینانه یاد می‌شود، نبوده است؛ بلکه آنچه نوشته، بر اساس مطالعات مردم‌شناسی، تجربه‌های شخصی و اجتماعی نویسنده و نگاه تیزبین و دقیق او بوده

۱. اگرچه زمان رخداد این موارد، قبل از انقلاب بوده، اما توجه نویسنده به عامل و بستر ایجاد این گونه آسیب‌ها، همانند فقر، فشار اقتصادی، ناآگاهی، معاشرت با ناهلان و... به گونه‌ای نبوده که مختص به زمان گذشته باشد. از آنجا که «بیشترین میزان مطالعه‌ی رمان و داستان در گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال و پس از آن ۱۹ تا ۲۵ بوده و در مجموع ۵۱ درصد از کل مطالعه‌ی ژمان و داستان را آن‌ها به خود اختصاص داده‌اند» (رستمی و مولاییگی، ۱۳۹۷: ۹۳)، از این رو می‌توان از چنین آثاری با توجه به جنبه تربیتی‌شان به عنوان ابزاری پیشگیرانه استفاده نمود.

است، تا بدانجا که برخی او را جامعه‌شناسی توانا و برخی دیگر یک جامعه‌شناس مارکسیست معرفی می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۷۸). چنین خصلتی در محمود، موجب گردیده تا او بیشترین انتقادات را نسبت به شرایط پیرامونی خود داشته باشد. چهارم، محمود در نحوه ارائه حوادث، روال طبیعی یک حادثه را در نظر داشته است. پیامد رخدادها بر اساس کنش منطقی شخصیت‌هاست و عقیده نویسنده در آن دخالت ندارد؛ یعنی از قاعده علت و معلولی رئالیسم پیروی می‌کند. این نگرش کلاسیک موجب می‌شود که بتوان نگاهی بر مبنای جرم‌شناسی علت‌شناسانه هم بر داستان او داشت.

در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جرم‌شناسی ادبی، توجه چندانی به کودکان در ادبیات نشده و بیشتر موضوع‌ها، در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی متمرکز بوده است (ر.ک: رستمی و مولایی، ۱۳۹۶: ش ۷۷؛ ایمانی، ۱۳۹۰؛ رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ش ۱؛ پورحسن سنگری، ۱۳۹۲: ش ۵).^۱ هدف اصلی پژوهش پیش رو آن است که از یک سو با شرایط پیرامونی محیط تأثیرگذار بر روی کودکان در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد آشنا شده و از سوی دیگر با توجه به نگاه انتقادی و علت‌شناسانه محمود به مسائل پیرامونی، بتوان از چنین آثاری به عنوان روش نوین تدریس به ویژه در درس جرم‌شناسی، کیفرشناسی، و همچنین با توجه به وجود بسیاری از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این زمان، برای آگاه‌سازی سیاستمداران از آن استفاده نمود.

از آنجا که محمود اغلب ترجیح می‌دهد که به طور مشخص و واضح درون‌مایه را در اختیار خواننده قرار ندهد، از این رو با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی^۲

۱. البته در دو اثر به حوزه کودکان توجه شده است: الف- «رُمان سال‌های ابری در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان» (همان: ش ۱۶)؛ ب- «تبیین بزه‌دیدگی کودکان در داستان "مدیر مدرسه" از منظر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسانه» (همان‌ها، ۱۳۹۹: ش ۸۹). با این حال، مقاله پیش رو از چند جهت با مقاله‌های پیشین تفاوت دارد؛ از جمله: الف- این مقاله تنها به حوزه بزه‌کاری به طور تخصصی ورود نموده است؛ ب- هیچ یک از مقاله‌های پیشین به مسئله زندان و فضای آن از منظر جرم‌شناسی بالینی توجه نکرده‌اند؛ پ- نظریه‌های انتخابی برای تبیین بزه‌های کودکان متفاوت از نظریه‌هایی بوده که این دو مقاله به بررسی آن پرداخته‌اند.

۲. تحلیل محتوای آثار برای اولین بار و به شکل مستند در سده ۱۸ به منظور شرح ۹۰ سروده مذهبی مورد استفاده قرار گرفت تا از این راه، پا فراتر از ظاهر متن گذاشته شود و به عامل‌های دیگر هم توجه گردد (ر.ک: رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

و با استمداد از برخی نظریه‌های جرم‌شناسی، ابتدا در بخش نخست این پژوهش، پس از شناسایی کودکان بزهکار داستان، بزه‌های آنان از ابعاد گوناگون مورد تحلیل قرار گیرد (۱). آنگاه در بخش دوم، به خاطر آنکه اصلی‌ترین پاسخ در آن زمان به بزه کودکان زندان بوده و حدود یک‌سوم داستان را نیز فضای حاکم بر زندان پوشش می‌دهد، لذا بر مبنای جرم‌شناسی بالینی چنین فضایی و تأثیر آن بر کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد (۲). در بخش آخر ضمن بازگشت به داده‌های نخستین، با نگاهی علت‌شناسانه به تحلیل نظری این بزه‌ها پرداخته می‌شود (۳). در این میان، نظریه‌های معاشرت ترجیحی، برچسب‌زنی و کنترل اجتماعی انتخاب شده‌اند که با فضای حاکم بر داستان و واقعیت‌های آن دوران همخوانی بیشتری دارند.

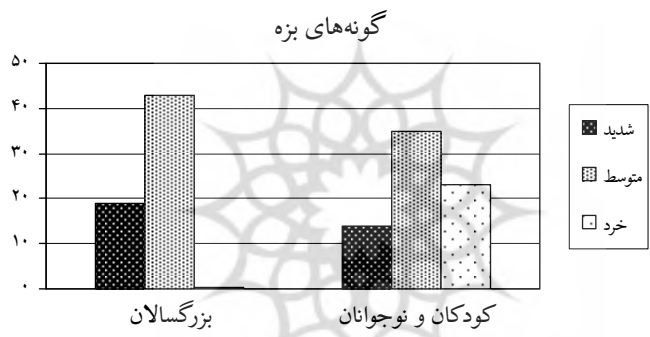
۱. تحلیل بزهکاری کودکان با رویکرد تحلیل محتوای کیفی

رمان فارسی همسایه‌ها از جمله رمان‌هایی به حساب آمده که نویسنده در آن، شخصیت‌های بسیاری را خلق نموده است. از میان این شخصیت‌ها، ۶۰ درصدشان را مردان، ۲۰ درصدشان را زنان و ۲۰ درصد دیگر را کودکان و نوجوانان تشکیل داده‌اند. از میان مردان ۳۹ درصدشان سابقه بزهکاری داشته‌اند و این رقم در حوزه زنان ۴۳ درصد و در حوزه کودکان و نوجوانان نیز ۴۳ درصد می‌باشد. بالا بودن میزان بزه کودکان و نوجوانان در داستان، نیازمند بررسی و تحلیل محتوا بوده تا چرایی آن روشن گردد. از این رو در این بخش، شدت بزه، بزهکاری اتفاقی یا حرفه‌ای، بزهکاری گروهی یا فردی و تأثیر محیط بر بزه کودکان را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱.۱. شدت بزه کودکان

به طور کلی می‌توان جرایم را از حیث جنبه مجرمانه با یکدیگر مقایسه و طبقه‌بندی نمود. ماده ۱۴ ق.م.ا. بر مبنای مجازات، جرایم را به چهار دسته کلی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم‌بندی نموده است. بر مبنای چنین تقسیم‌بندی، پژوهشگران مختلف در صدد مشخص نمودن شدت و ضعف چنین جرایمی برآمده‌اند؛ برای مثال، برخی پژوهشگران با توجه به ویژگی‌هایی همانند عدم جواز تأخیر در اجرا، عدم امکان

شفاعت و کفالت، عدم شمول مرور زمان و... حدود را شدیدتر از تعزیرات معرفی کرده‌اند (نوبهار، ۱۳۹۲: ۲۱۵). برخی دیگر از پژوهشگران نیز معیار شدت و ضعف جرایم بر مبنای مجازات را شیوه نگارش قانون‌گذار عنوان نموده، معتقدند که تقدم و تأخر در نگارش قانون بی‌جهت نبوده است (نجفی ابرنآبادی، به نقل از: جوانمردی، ۱۳۹۷: ۳۵). به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از معیارهای پیش‌گفته جامع و کامل نیست؛ زیرا با توجه به اینکه برخی از بزه‌های کودکان، حالت خاص و اختصاصی برای این گروه داشته و در قانون جایگاهی ندارد، از این رو تعریف‌های بالا شامل آن‌ها نمی‌شود. نویسندگان بر مبنای میزان آسیب‌رسانی جرایم از یک‌سو و شدت تأثیرشان در زمان از سوی دیگر، آن‌ها را به سه دسته شدید، متوسط و خرد طبقه‌بندی نموده‌اند:



الف) بزه شدید: خالد هنگامی که مشاجره‌اش را با نوجوانی همسن و سال خود به نام ابراهیم که به اعمال منافی عفت دست می‌زند، شرح می‌دهد، چنین یادآور می‌شود: «ابرام مگه تو نبودی که اون روزا می‌گفتی: زنا گناه داره؟ ابراهیم لبخند می‌زند. دندان‌های کج و کوله‌اش بیرون می‌افتد: ولش بابا... این‌ها همه حرفه» (محمود، ۱۳۵۷: ۶۲).

بزه ضرب و جرح نیز در جای‌جای داستان حضور دارد و ما شاهد درگیری میان کودکان و نوجوانان هستیم؛ برای نمونه، درگیری خالد با ابراهیم را می‌توان یادآور شد: «عقب می‌کشد. لبخند می‌زند و آهسته می‌گوید: پس انگار بانو راس می‌گه که با بلورخانم رو هم ریختی. خیز برمی‌دارم به طرفش و یقه‌اش را می‌گیرم و راست تو چشم‌اش نگاه می‌کنم: بانو غلط کرد... آگه تو هم دفعه دیگه ازین غلطای بکنی، چاک دهن‌تو جر می‌دم...» (همان: ۶۳).

از لحاظ کمیت، بزه جنسی به عنوان یکی از جرایم شدید، سومین بزه پرکاربرد در ژمان محسوب می‌شود که دلیل بالا بودن آن را می‌توان از یک سو قوی بودن این میل در دوران کودکی و از سوی دیگر آزاد بودن چنین روابطی در زمان وقوع رخدادهای ژمان دانست؛ به گونه‌ای که کودکان به راحتی به مکان‌هایی به نام «شهر نو» رفت و آمد داشتند.

ب) بزه متوسط: برای نمونه در این داستان، شاهد بالا بودن جرایم سرقت و اقدام علیه امنیت توسط کودکان و نوجوانان هستیم. خالد وقتی از دو برادر به نام‌های خالق و چینوووq به همراه ابراهیم یاد می‌کند، از یک سو تأکید خود را بر نداشتن والدین یا عدم نظارت آن‌ها قرار داده و از سوی دیگر نتیجه آن را اعمال بزهکارانه همانند سرقت بیان می‌کند:

«ابراهیم سر برمی‌گرداند. زبان می‌کشد. دکان‌دار عصبانی می‌شود. ابراهیم پا می‌گذارد به فرار. دکان‌دار فحش می‌دهد، دنبالش می‌کند و خالق، دخل را می‌زند...» (همان: ۱۲۳).

بزه علیه اموال به ویژه سرقت در جامعه امروز ایران، نمود فراوانی دارد. در خصوص میزان شیوع آن، برخی پژوهش‌ها اشاره به این موضوع داشته که از ۴۸۳ کودک بزهکار شهر کرمانشاه که به کانون معرفی شده‌اند، ۱۲۱ مورد مربوط به سرقت می‌باشد (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹). این موضوع در ژمان همسایه‌ها نیز نمود فراوانی دارد؛ به گونه‌ای که از لحاظ کمیت، اولین بزه پرتکرار داستان به شمار می‌رود. دلیل آن را می‌توان نگاه رئالیستی و ناتورالیستی محمود و توجه او به طبقات پایین جامعه و مسائل آنان از جمله فقر و مشکلات معیشتی دانست.

اگرچه برخی اندیشمندان حوزه حقوق کیفری کودکان معتقدند که آن‌ها به خاطر شرایط جسمانی خاصشان کمتر در چنین بزه‌هایی دخیل هستند (رستمی و مولایی، ۱۳۹۷: ۹۶)، با این حال، محمود ضمن مخالفت با این دیدگاه در جای‌جای داستان، کودکان را مرتکب اقدام علیه امنیت معرفی می‌کند:

«زدم تو گوشت که از اول بدونی با کی سروکار داری... داری تو بند اخلاص می‌کنی، آره...؟» (محمود، ۱۳۵۷: ۴۲۵).

«پندار گفت: داشتیم اعلامیه پلی کیپی می کردیم، خونه رو محاصره کردن. راه گریز نداشتیم. لیلای مثل پلنگ ماده حمله کرد، مچ دست یکی شونو گاز گرفت...» (همان: ۴۴۱).

به نظر می‌رسد دیدگاه محمود در این زمینه درست‌تر باشد؛ زیرا اگرچه کودکان در سنین پایین‌تر مرتکب بزه‌های خُرد می‌گردند، ولی با گذشت زمان و ورود به سن بلوغ، حس کنجکاوی و استقلال در آن‌ها رشد بیشتری می‌یابد. از سوی دیگر عضویتشان در باندهایی که گاه با هنجارهای رسمی فاصله دارند، آنان را در مقابل جامعه قرار می‌دهد. در پژوهشی، این دیدگاه نشان داده شده است. بر مبنای این پژوهش، ۵۲ درصد جرایم توسط نوجوانان ارتکاب یافته و بزه‌های شایع میان آن‌ها، رفتارهای جنسی، رفتارهای خشونت‌بار، فروش مواد مخدر و سرقت می‌باشد (گسن، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

پ) بزه خُرد: محمود از میان بزه‌های ویژهٔ مربوط به کودکان، بیشتر به نافرمانی از والدین اشاره داشته و نسبت به بزه‌های دیگر توجه چندانی ندارد. از این رو خالد در هنگام معرفی ابراهیم بیان می‌دارد که او دیگر به حرف‌های پدرش گوش نداده و رو در روی پدرش می‌ایستد:

«گمان کنم کار، کار ابراهیم است. بدجوری سرتق شده است. این روزها اصلاً زیر بار حرف رحیم خرکچی نمی‌رود...»^۱ (محمود، ۱۳۵۷: ۱۱۰).

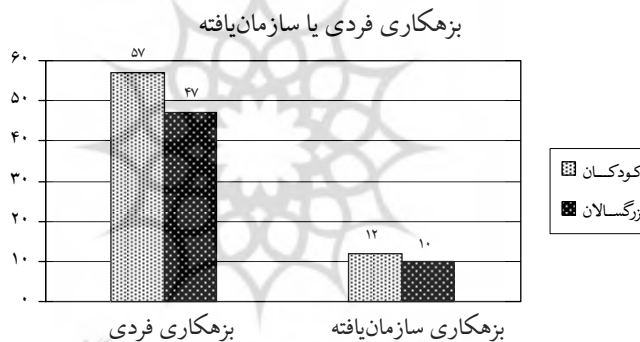
«... مثل خرپا، شق و رق می‌ایستد تو سینهٔ رحیم خرکچی و هر چه از دهانش درمی‌آید، می‌گوید...» (همان).

اگرچه کودکان حضور فعالی در رُمان همسایه‌ها و دیگر داستان‌های محمود دارند، با این حال، بزه خاص کودکان آن‌چنان در داستان او نمود پیدا نکرده است. این موضوع را می‌توان با نگرش غالب نویسنده که حالت مارکسیستی و مبارزاتی دارد، توجیه نمود. چنین نگاهی زمینه‌ساز انتقاد از محمود را فراهم می‌کند؛ زیرا نگرش بالا در تضاد با خصلت اصلی رُمان یعنی حالت واقع‌گرایانه خواهد بود.

۱. ابراهیم یکی از نوجوانان حاضر در داستان محسوب شده و جزء شخصیت‌های فرعی داستان است. او و برادرش حسنی، دو فرزند رحیم خرکچی همسایه خانواده خالد محسوب می‌شوند. آن‌ها مادر خود را در دوران کودکی از دست داده‌اند و محمود همین عامل را دلیل اصلی کج‌رفتاری‌های ابراهیم معرفی می‌کند.

۲-۱. بزهکاری کودک؛ حالت فردی یا گروهی

گفته می‌شود که از نظر روان‌شناسی، تشکیل اجتماع برای ارتکاب جرایم باعث جرئت و جسارت بزهکاران می‌شود. این موضوع از منظر جامعه‌شناسی نیز باعث ایجاد ناامنی فراگیر و گسترده شده و از نظر جرم‌شناسی باعث تشدید حالت خطرناک و به خطر افتادن نظم جامعه می‌گردد (رحمدل، ۱۳۹۸: ۸۴). چنین موضوعی در حوزه کودکان و نوجوانان نیز نمود فراوانی دارد؛ به گونه‌ای که برای مثال در پژوهشی به اثبات رسیده که ۶۳ درصد کودکان و نوجوانان درگیر در خشونت، عضو گروه‌های نزاع محلی بوده‌اند (غلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۲) و عضویت در چنین گروه‌هایی، زمینه بروز بزه‌های خشن را فراهم می‌کند. توجه محمود به این معضل اجتماعی کمی متفاوت از یافته‌های پژوهش بالاست.



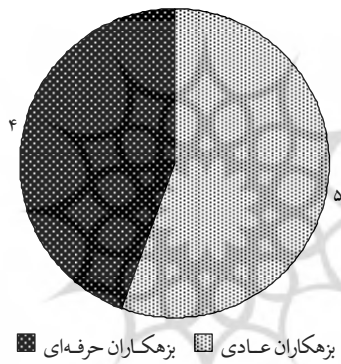
محمود در داستان خود از یک سو ۷۹ درصد بزه‌های رخ داده توسط کودکان را به‌طور انفرادی به تصویر کشیده و از سوی دیگر در حوزه بزهکاری گروهی، تأکید خود را بیشتر بر روی دو بزه سرقت و اقدام علیه امنیت قرار داده است. چنین موضوعی به نظر می‌رسد با رویکرد واقع‌گرایانه داستان در تضاد باشد؛ زیرا محیطی که او برای توصیف انتخاب کرده است، محیط جنوب شهر بوده و چنین مناطقی مملو از خشونت و درگیری هستند.

۳-۱. بزهکاری کودک؛ حالت حرفه‌ای یا عادی

نرخ بالای جرم همواره حاکی از وجود جمعیت زیاد بزهکاران نیست، بلکه

پژوهش‌های بسیاری مسئولیت ارتکاب بخش بزرگی از بزه‌ها را بر عهده تعداد اندکی از بزهکاران تحت عنوان «مجرمان حرفه‌ای» نهاده‌اند. این گونه از بزهکاران به گونه‌ای به رفتار بزهکارانه خود می‌نگرند که دیگران به شغل قانونی خود می‌اندیشند (حاجی ده‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). این بزهکاران به طور معمول برای کسب درآمد و سود، مرتکب بزه شده و بیشتر مواقع، جرایم علیه اموال را مرتکب می‌گردند و یا دارای تخصص در نوع خاصی از بزه هستند. این گروه به طور وسیعی با سایر بزهکاران همکاری می‌کنند (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). در زمان همسایه‌ها نیز وجود بزهکاران حرفه‌ای نمایان بوده و تعداد آنان در نمودار زیر بیان شده است:

انواع بزهکاران



همان طور که در جدول بالا نمایان است، ۴ تن از بزهکاران جزء بزهکاران حرفه‌ای قلمداد شده‌اند؛ زیرا از یک سو ۸۶ درصد بزه‌های رخ داده توسط کودکان را این گروه انجام داده‌اند و از سوی دیگر بیشتر این بزه‌ها به منظور کسب درآمد و سودآوری رخ داده است. دلیل این موضوع را می‌توان بالا بودن بزه سرقت و تبدیل شدن آن به شغل و منبع درآمد عنوان نمود:

«خالق! این همه سیب زمینی رو از کجا آوردی؟ - خب دیگه مته همیشه از میدون بارفروشا خریدم. چینیوق می‌خندد!!!» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۰۲).

استفاده از واژه «همیشه» توسط نویسنده، دلالت بر تبدیل این عمل به حرفه برای خالق دارد که شناسه‌ای مناسب برای معرفی او به عنوان بزهکار حرفه‌ای می‌تواند باشد.

۴-۱. نقش محیط در بزهکاری کودک

مناطق شهری دارای بافت‌های گوناگونی هستند که میزان بزه‌دیدگی و بزهکاری در همه آن‌ها یکسان نیست؛ چرا که بزه دارای ظرف و مکان منحصر به فردی است که باعث می‌شود رفتار بزهکارانه در واحد مکان، توزیع فضای یکسانی نداشته باشد. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع بزه فراهم می‌کنند (حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). از این رو، برخی مکان‌ها و نقاط شهری، مستعد رخ دادن بزه‌اند. حاشیه‌ها و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، دو گونه اصلی این فضاها بی‌دفاع شهری به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که فقدان امنیت و رفاه اجتماعی یا برخوردار نبودن از متوسط امنیت و رفاه، از جمله عوامل شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و بزه به شمار می‌روند (لطفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۱۶).

فضای جغرافیایی حاکم بر زندگی بزهکاران کودک در زمان همسایه‌ها هم از این قرار است. میزان اهمیت این موضوع در نگاه محمود به حدی بالا بوده که تنها یکی از بزهکاران کودک و نوجوان از این طبقه نمی‌باشد:



محیط حاکم بر داستان، مناطق جنوب شهری و بافت‌های فرسوده است. حتی از لحاظ وضعیت اقتصادی نیز ساکنان این منطقه همگی آسیب‌پذیر هستند. این وضع را می‌توان از رفتار خالد و پنهان‌کاری‌اش درباره محل زندگی‌شان از سیه‌چشم پی برد:

«دختر می گوید: آدرس خونتون رو بدین. خجالت می کشم. خانه دنگال. دیواره های گلی، تنور صنم، الاغ های رحیم خرکچی، گاری عموبندر، چارچرخه کرم، در شکسته و بست خورده، اتاق های خفه و... باز دروغ می گویم: من مسافر» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۸۳).

یا وقتی خالد از پدر علت خودکشی جعفر خشتمال را جویا می شود. چنین پاسخی را دریافت می کند:

«مگه آدم چقد طاقت گشنگی، بیکاری و خفت و خواری را دارد» (همان: ۱۰۱).

چنین موضوعی در میزان جرایم و بزهکار شدن کودکان نقش آفرین بوده است؛ همچنان که در جدول بالا اشاره شد که از طبقه فرادست جامعه، تنها یک کودک مرتکب بزه و آن هم عمل منافی عفت شده است و بیشتر جرایم و بزهکاران به طبقه فرودست جامعه تعلق دارند.

۲. واكویی فضای زندان از منظر جرم‌شناسی بالینی

با وجود گذشت سال‌های زیادی از زمان همسایه‌ها، این اثر همچنان می‌تواند برای سیاست‌گذاران کنونی راهگشا باشد. از یک سو وضعیت زندان‌های کشور تفاوت آن‌چنانی با گذشته خود نداشته و برخی آمارها دلالت بر ناتوانی زندان در مراقبت از زندانیان و نگهداری آبرومندان از آن‌ها دارد، به گونه‌ای که کرامت انسانی آنان را زیر چرخ مصائب لگدمال می‌کند (محمودی جانکی، ۱۳۹۷: ۸۰) و از سوی دیگر از آنجایی که اتکا به آمارهای رسمی نمی‌تواند ما را با واقعیت‌های حاکم بر زندان‌ها و حتی دادگاه‌ها آشنا سازد، این زمان با توجه به آنکه بهترین اثر در حوزه ادبیات زندان و انتقاد از وضعیت اسفناک آن به شمار می‌رود و شخصیت اصلی داستان به عنوان یک روشن‌فکر طعم زندان را می‌چشد، می‌تواند راهگشای مناسبی برای جرم‌شناسان این حوزه در ایران تلقی گردد.

۲-۱. نظام طبقه‌بندی زندانیان و نبود پرونده شخصیت

جرم‌شناسی بالینی به عنوان یکی از شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی، با تمرکز بر

مرتکبان بزهکاری به معرفی روش‌های کارآمد جهت بازسازی نظام شخصیتی مجرمان و رهنمون ساختن آنان به سمت اصلاح و درمان مبادرت می‌ورزد. در واقع این شاخه با تکیه بر برنامه‌های بازپرورانه پزشکی، روان‌پزشکی، فرهنگی، اقتصادی و... صورت می‌پذیرد. جرم‌شناسی بالینی برای دستیابی به این منظور، به دنبال شناخت حالت خطرناک و جداسازی زندانیان از یکدیگر می‌باشد. جداسازی زندانیان از بایسته‌های بازپروری بزهکاران است تا به این واسطه، مداخله‌های جامعه‌پذیرساز سامانه عدالت کیفری به صورت دقیق و اثربخش به مرحله اجرا درآید (نیازپور، ۱۳۹۵: ۱۷۷-۱۷۸).

چنین جداسازی می‌تواند از یک سو پاسخ‌های عدالت کیفری را متناسب و هدفمند سازد و از سوی دیگر جلوی بزه‌دیدگی بزهکاران و انتقال فرهنگ مجرمانه را بگیرد؛ زیرا «زندان محل سلب آزادی شماری از بزهکاران بوده که هر یک دارای ویژگی‌های متفاوت و گذشته بزهکارانه متعددی هستند. به همین جهت در کنار هم قرار گرفتن آنها، زمینه‌ساز انتقال تجارب و شگردهای بزهکاری و همچنین شکل‌گیری ارزش‌های زیرزمینی می‌گردد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۱/۲۳۴). از این رو نباید بزه حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات شناخته شود، بلکه باید به حالت حداقلی و در شدیدترین جرایم مورد استفاده قرار گیرد. چنین موضوعی در حوزه کودکان نیز مطرح بوده و برای انجام بهتر برنامه‌های بازپرورانه ضمن جداسازی آنان از بزرگسالان (بند پ-۱ از ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)، مراکز ویژه‌ای تحت عنوان کانون اصلاح و تربیت شکل گرفته تا ضمن مداخله‌هایی در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکار و منحرف، جلوی مزمن شدن و تکرار بزهکاری در بزرگسالی‌شان را بگیرد (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۴: ۹۶).

محمود از آنجا که خود نیز طعم زندان را در دوران نوجوانی چشیده، به انتقاد مستقیم از این موضوع و نبود رویکردی بازپرورانه در زندان آن دوران اشاره می‌کند. او یکی از شرایط موجود در زندان را نبود تفکیک و طبقه‌بندی میان زندانیان بزرگسال و کودک می‌داند؛ به گونه‌ای که خالد با مجرمان جرایم خطرناکی چون قتل، هم‌زندانی (غلام قاتل) و یا هم‌سلولی (ناصر ابدی) شده است:

«آفتاب دارد از دیوار سنگی بند بالا می‌کشد. ظهر که از دادگستری آمدم، رختخوابم را زدم زیر بغلم، کاسه مسی را گرفتم دستم و آمدم تو بند...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۶۷-۳۶۸).

یکی از او اسم و بزه ارتكابی‌اش را می‌پرسد و هنگامی که خالد هم از او این سؤال را می‌پرسد، «می‌گویند: غلام... بهم میگن غلام قاتل...» (همان: ۳۹۳). چنین موضوعی را می‌توان بر مبنای جرم‌شناسی محکومان که زندان را محل آموزش بزه معرفی می‌کند، قابل توجه دانست؛ زیرا از یک سو عدم تفکیک بندهای زندان بر اساس نوع جرایم، موجب فراگیری خُرده‌فرهنگ‌های مجرمانه دیگر توسط زندانی می‌گردد. او به صراحت این موضوع را در مورد خالد عنوان می‌نماید؛ چرا که خالد نیز در فضای این چنینی زندان سیگاری می‌شود. از سوی دیگر محمود به بزه‌دیدگی بزهکاران زندانی نیز به دلیل عدم تفکیک مناسب میان آنان اشاره دارد و چنین استدلالی را برای این موضوع ارائه می‌دهد:

«تو زندون، هر که دیوارش کوتاه‌تر باشه، روزگارش سیاه‌تره» (همان: ۳۷۱).

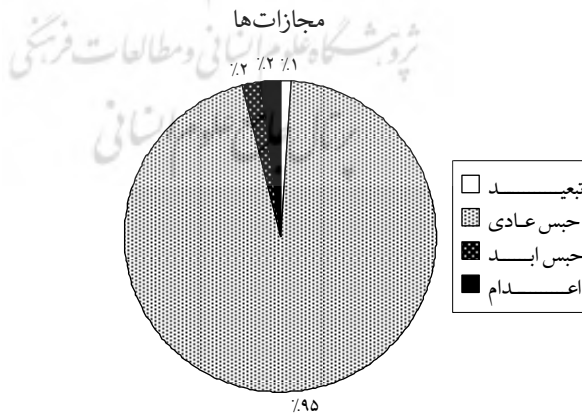
زُمان همسایه‌ها ضمن انتقاد از این شرایط، نبود پرونده شخصیت را نیز یادآور می‌شود؛ برای مثال، محمود صحنه دادگاه و رسیدگی به بزهکاری خالد را چنین توصیف می‌کند:

«تا برسم دادسرا و تا باز پرس فرصت پیدا کند که پرونده‌ام را نگاه کند، شده ساعت یک و نیم بعد ظهر و هنوز دو ساعت و نیم از ظهر نگذشته است که می‌بینم دفتر زندانم و تا بجنبم، انگشت‌نگاری و این حرف‌ها تمام شده است و در آهنی انفرادی پشت سرم بسته می‌شود... فردا با بی‌حوصلگی به پرونده‌ام نگاه و قرار بازداشت موقت صادر می‌کنند...» (همان: ۳۴۷-۳۴۸).

با نگاه به زمان‌های اعلام‌شده در عبارت‌های بالا، شاهد رسیدگی فوری و بدون توجه به شخصیت بزهکار که دوران نوجوانی را طی می‌کند، هستیم. همچنین محمود با آنکه رخدادهای بسیار جزئی را نیز در نوشتار خود بیان می‌کند، عدم اشاره او به پرونده شخصیت، نشان‌دهنده عدم توجه دادگاه‌های آن دوران نسبت به این مسئله است. از این رو می‌توان گفت که نگاه سیاستمداران آن دوران، مبتنی بر رویکرد جرم‌شناسی بالینی نبوده است.

۲-۲. طرد بزهکار و دشمن‌سازی یا بازپروری و بازگشت به جامعه

مطالعات تاریخی حقوق کیفری حاکی از آن است که رایج‌ترین مجازات‌ها، به‌علت‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی اشکال مختلف سلب حیات، تازیانه و قطع اعضای بدن بوده‌اند. بدین ترتیب، برای سده‌ها تمامیت جسمانی بزهکار در قالب کیفر تنبیه استوار بوده است. از حدود دو سده پیش به این سو، سلب آزادی به عنوان مجازات اصلی، به تدریج جای کیفرهای بدنی را گرفت. بدین سان تحدید یا سلب آزادی مرتکب بزه تبدیل به ضمانت اجرای کیفری معمول در همه نظام‌های کیفری داخل و نظام کیفری بین‌المللی گردید (بولک، ۱۳۹۱: ۹). اگرچه ابتدا جانشینی مجازات زندان با وجود وضعیت نامناسب و رقت‌بار زندان، به جای مجازات‌های شدید بدنی بسیار امیدوارکننده بود، ولی به مرور زمان، اصلاح‌طلبان اجتماعی در جهت بهبود شرایط نامطلوب آن اقدام‌های مهمی انجام دادند؛ برای نمونه در اروپا جان هوارد^۱ انگلیسی در کتاب وضعیت زندان‌ها، مشاهده‌های خود را از زندان‌های نامطلوب آن دوران تشریح و به انتقاد از آن‌ها پرداخت (آشوری، ۱۳۹۹: ۵). چنین موضوعی موجب ایجاد سایر پاسخ‌های کیفری همچون مجازات‌های مالی، انجام خدمات اجتماعی و... گردید. احمد محمود در رمان همسایه‌ها از میان مجازات‌های معمول آن دوران، به چهار نوع مجازات اشاره نموده که می‌توان میزان تکرار آن‌ها را در جدول زیر مشاهده نمود:



1. John Howard.

از میان مجازات‌های گفته‌شده، هیچ یک از کودکان مشمول مجازات‌های اعدام، حبس ابد و تبعید نگردیده‌اند و سه نوجوانی که جرم آن‌ها به کشف رسمی منتهی شده است، همگی به زندان محکوم شده‌اند. چنین موضوعی، از آن جهت که زندان در این داستان اصلی‌ترین مجازات محسوب گردیده، زمینه ازدحام در زندان‌ها را فراهم می‌کند و شکی نیست که «ازدحام در زندان‌ها موجب کاهش مسائل بازپروری، آموزش و پرورش و تمرین در فضای باز خواهد شد» (آلبرشت، ۱۳۹۵: ۱۶). زندانی که محمود در داستان به توصیف آن پرداخته، دارای فضای ورزشی، آموزشی و... نیست. چنین رویکردی را می‌توان به خاطر نگاه سیاست‌گذاران جنایی آن دوران دانست که بیشتر به سمت سلب توان ارتکاب بزه و ناتوان‌سازی^۱ اشخاص تا رویکرد بالینی و بازپرورانه تمایل داشته‌اند. این دیدگاه از کلام رئیس زندان خطاب به خالد قابل برداشت است:

«تو خیال می‌کنی اینا آدمن؟... خیال می‌کنی می‌شه از اینا آدم ساخت؟ من الان پانزده ساله با زندونی سروکار دارم، استخون خُرد کرده‌ام و عاقبت به این نتیجه رسیده‌ام که اینا رو نمی‌شه اصلاح کرد... اینا از اول این طور بار اومدن» (محمود، ۱۳۵۷: ۴۶۳-۴۶۴).

چنین رویکردی بیشتر خود را زمانی نشان می‌دهد که زندانیان از زندان با وصف «سگدونی» یاد می‌کنند (همان: ۳۸۸). این نگاه موجب می‌شود تا بر این اعتقاد باشیم که هدف سیاست‌گذاران ایرانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، تنها بر جداسازی اشخاص خطرناک از دید جامعه و حکومت عنوان نمود.

۲-۳. نبود بهداشت، تغذیه مناسب و فشارهای روانی

توجه به بهداشت و تغذیه مناسب، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها در زندان‌ها به شمار می‌رود؛ همان‌گونه که اسناد بین‌المللی صراحت دارند که کیفر تحمیلی بر مجرم تنها

۱. سلب توان بزهکاری، یکی از مبانی توجیه‌کننده مجازات‌ها به ویژه حبس به شمار می‌رود. برخی نویسندگان علاوه بر حبس از هر پاسخ یا کیفری که موجب ناتوان‌سازی بزهکار از تکرار بزه می‌شود، تحت عنوان سلب توان بزهکاری یاد می‌کنند. از این رو علاوه بر حبس، اعدام، شبکه‌های گسترده نظارتی را هم می‌توان دارای چنین خصیصه‌ای عنوان نمود (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

محرومیت از آزادی باید باشد و از این رو حبس نباید خطرهای جسمی یا روانی بر زندانیان تحمیل کند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۰). اما در عمل، زندان به ویژه زندان‌های کشورمان از بُعد تغذیه با وجود بهبودهای رخ داده همچنان وضع نامناسبی دارند؛ به گونه‌ای که بر پایه برخی پژوهش‌ها، میزان کم دریافت میوه توسط زندانیان، موجب کمبود بسیاری از ویتامین‌ها و ریزمغذی‌ها می‌شود و خطر ابتلا به سرطان را در آن‌ها افزایش می‌دهد. همچنین مصرف غلات (حبوبات) پایین و گوشت بسیار پایین گزارش شده است (صفریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۹).

محمود اوضاع بهداشتی و تغذیه زندان را بسیار نامناسب توصیف می‌کند؛ برای نمونه، هنگامی که نگهبانان غذا میان زندانیان تقسیم می‌کنند، چنین گفتگویی میان دو تن از آن‌ها برقرار می‌شود:

«نان مثل آجر می‌ماند. آن را مثل پاره خشت رو زانو می‌کوبد و ادامه می‌دهد: نیگاه کن... آگه تو سر فیل بزنیش، جابجا سقط می‌شه. بدمصب مته سنگ می‌مونه» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۸۸).

این موضوع به ویژه برای کودکان به خاطر شرایط رشدشان حائز اهمیت و بسیار نگران‌کننده است. از این رو زندانیان به رهبری خالد و دوستش، به خاطر شرایط بد تغذیه و اینکه آن‌ها فراموش شده‌اند، دست به اعتراض می‌زنند:

«بین اسی... اینو بدون که آگه همه مثل منوچ سیاه، غذای زندون رو نخوریم، مجبور می‌شن که وضع غدامونو بهتر کنن...» (همان: ۳۳۱).

از دیگر پیامدهای منفی زندان، نگرانی‌های مالی زندانیان و دشواری به دست آوردن پول کافی برای تأمین نیازهای مالی بستگانشان بوده که موجبات رنج روحی و روانی آنان را فراهم می‌کند (ویانت و هارنر، ۱۳۹۷: ۶۵۵).

محمود نیز ضمن یادآوری وضعیت بد روحی و روانی زندانیان به خاطر شرایط بد مالی خانواده‌هایشان، چنین یادآور می‌شود:

«اسکندر لبه‌های نان را جویده است، ورز داده و دارد مجسمه می‌سازد. تمام روز کارش همین است. کاسی‌اش بد نیست... اگر این کار رو نکنم، کی به زن و بچه‌هام نون می‌ده؟...» (محمود، ۱۳۵۷: ۳۸۴).

محمود همچنین به عدم برخورد مناسب با متهمان و بزهکاران در بازجویی‌ها و زندان اشاره کرده و انواع شکنجه‌هایی را که نسبت به این اشخاص حتی نوجوانان اعمال می‌شود، تشریح می‌کند. خالد هنگامی که نام شهری، شکنجه‌گر ساواک را می‌شنود، از عبارت «ترس به جانم می‌نشیند» (همان: ۳۱۲)، یاد می‌کند که نشان از فشار روحی بوده که به خالد وارد شده است.

۳. تحلیل محتوای رُمان بر پایه مبانی نظری

بر اساس دیدگاه جرم‌شناسی نظری به ویژه جامعه‌شناسی جنایی، جامعه و شرایط حاکم بر آن در شکل‌گیری و وقوع بزه، نقش اساسی ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت این موضوع در رُمان همسایه‌ها، در این بخش برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی بزهکاری کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این میان، نظریه‌های معاشرت ترجیحی، برجسب‌زنی و کنترل اجتماعی، از یک‌سو به خاطر توجیه بهتر بزهکاری کودکان و از سوی دیگر توجه بیشتر آن‌ها به روابط اجتماعی میان کودکان گزینش شده‌اند. از این رو برای علت‌شناسی نظری این سه نظریه مناسب‌تر می‌باشند.

۳-۱. همنشینی با ناهالان؛ معاشرت‌های ترجیحی^۱

طبق نظریه معاشرت ترجیحی، رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. ساترلند^۲ در کتاب اصول جرم‌شناسی که بیشتر مشتمل بر مبانی جامعه‌شناسی جنایی است، به طرح‌ریزی بزهکاری یقه‌سفیدان و نظریه معاشرت‌های ترجیحی می‌پردازد. در دیدگاه او، رفتارهای انحرافی از طریق معاشرت اجتماعی با انواع خاصی از مردم آموخته می‌شود. برای اینکه شخص جنایتکار گردد، باید ابتدا بیاموزد که چگونه جنایت کند. از نظرگاه ساترلند، رفتار بزهکارانه حالت اکتسابی داشته و شخص آن را می‌آموزد. چنین فراگیری در تماس با اشخاص دیگر صورت می‌پذیرد که به دو صورت ارتباط شفاهی/کلامی و الگوبرداری (نزدیک به تقلید تارد) صورت می‌گیرد.

1. Differential association.
2. Edwin H. Sutherland.

فراگیری رفتار بزهکارانه در درون گروهی محدود از انسان‌ها با روابط صمیمی بین اشخاص (مثل خانه و مدرسه) شکل می‌گیرد و تأثیرگذاری آن به میزان کثرت تماس، مدت آن و شدت تماس بستگی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۵). بنابراین هر چه تعداد تماس با محل و محیط نامطلوب و مدت و کیفیت آن بیشتر باشد، میزان تأثیر و تداوم معاشرت بر بزه بیشتر خواهد بود.

از دیگر کسانی که سعی نموده‌اند از میان نظریه‌های یادگیری اجتماعی این نظریه را غنی‌تر سازند، می‌توان به آیکرس^۱ اشاره نمود (کسن، ۱۳۹۴: ۱۵۷). با این حال به نظر می‌رسد تلاش‌های ساترلند و آیکرس نمی‌تواند تمام بزه‌های کودکان را پوشش دهد؛ بلکه بیشتر در مورد مردم‌آزاری و سرقت‌های کوچک کاربرد داشته و بزه‌های بسیار جدی را پوشش نمی‌دهد (پوت‌واین و سامونز، ۱۳۹۱: ۶۹).

در زمان همسایه‌ها بیشتر بزه‌های رخ داده توسط کودکان، متأثر از یادگیری انحرافات از طریق معاشرت با دیگران به ویژه ناهلان است؛ برای مثال، پسر همسایه ابراهیم که دوست خالد بوده، بعد از فرار از خانه با گروهی کیف‌زن آشنا می‌شود. خالد تأثیر این همنشینی را این‌گونه بیان می‌کند:

«آفتاده است به دنبال خالد و چینووق، ... به دله دزدی» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۴۲).

این موضوع موجب گردیده تا ابراهیم رفته رفته سرقت را از آن‌ها یاد گرفته و به شیوه آن‌ها به کیف‌زنی پردازد. از دیگر همنشینی‌هایی که در داستان به بزهکاری منتهی می‌شود، رابطه حسنی برادر ابراهیم با یکی از آن دو پسر می‌باشد. این موضوع موجب کشیده شدن پسرک به اعمال منافی عفت و گرفتن بیماری سوزاک می‌شود:

«رفته پیش گنگه، پول بغل خوابی حسنی را هم چینووق داده است» (همان: ۱۴۷).

از دیگر همنشینی‌هایی که محمود سعی در برجسته‌سازی آن در داستان دارد، رابطه خالد با کارگران اعتصابی صنعت نفت در قهوه‌خانه امان‌آقا، آشنایی با خواسته‌های آن‌ها و عضویت و دوستی با افراد حزب توده است. چنین رابطه‌ای موجب یادگیری اعمال خلافکارانه توسط خالد می‌شود:

1. Akers.

«حالا تو حوزه پندار هستم، عصرهای جمعه تشکیل می‌شود. گاهی هم وقتش را تغییر می‌دهیم، جاهامون را هم عوض می‌کنیم. با پندار چهار نفریم» (همان: ۲۱۵).

خالد به دلیل ارتکاب این اعمال ضد امنیتی به زندان می‌افتد. وی قبل از آنکه به زندان برود، سیگاری نبوده و محمود علت سیگاری شدنش را نشست و برخاست با افراد سیگاری در زندان می‌داند. هنگامی که غلام زندانی محکوم به اعدام، به او پیشنهاد سیگار می‌کند، چنین جوابی را می‌شنود:

«نه سیگار نمی‌کشم، از کنارم بلند می‌شود و عُمر می‌زند؛ ولی آدم توی زندان سیگاری می‌شه» (همان: ۳۸۱).

پس از مدتی، رابطه خالد با غلام قاتل حالت صمیمانه‌تری به خود گرفته و چنین رابطه گرمی میان آن دو رفته رفته قبح سیگارکشی را برای خالد از بین برده و او به سیگارکشی سوق پیدا می‌کند. این موضوع به صراحت در گفتار زیر خود را نشان می‌دهد:

«ازش خوشم می‌آید... به تو که گفتم آدم توی زندان سیگاری می‌شه. می‌نشینه کنارم. نورافکن‌های بند روشن می‌شود، شب‌ها سرد است. توی اتاق می‌خوابیم، یه سیگار بده دود کنیم» (همان).

نویسنده همچنین اعتقاد داشته که اگر محیط مناسب برای افراد جامعه مهیا گردد، حتی افراد منحرف نیز می‌توانند به عنصر اجتماعی سودمند تبدیل شوند. محمود برای ادعایش از ناصر ابدی نام می‌برد. هرچند رابطه‌های نادرست اجتماعی، او را به سیاه‌چال زندان پرت کرده، اما آشنایی ناصر ابدی در زندان با خالد و کمک او موجب می‌شود که به سمت یادگیری خواندن و نوشتن سوق پیدا کند. از این رو محمود به روشنی نشان می‌دهد که اگر محیط مناسب باشد، چه ظرفیت عظیمی برای اصلاح اشخاص بزهکار وجود خواهد داشت.

۳-۲. کودکان رهاشده؛ نظریه برچسب‌زنی^۱

برچسب‌زنی در کتاب *غریبه‌ها* از هاوارد اس. بکر^۲ که در سال ۱۹۶۳ در آمریکا به

1. Labeling Theory.
2. Howard S. Becker.

بازار آمد، مورد توجه قرار گرفت. در سال‌های پیش و پس از انتشار کتاب بکر، تعدادی از جامعه‌شناسان به شکل‌گیری و رشد رویکرد انگ‌زنی کمک کردند. قبل از بکر، ادوین لمرت^۱ به عنوان پدر دیدگاه انگ‌زنی در سال ۱۹۵۱ در کتاب خود تحت عنوان *آسیب‌شناسی اجتماعی*، اساس نظریه واکنش اجتماعی و انگ‌زنی را بنا نهاد (بخارایی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).^۲ نظریه برچسب‌زنی با این فرض که جرم و رفتار مجرمانه یک روند اجتماعی می‌باشد، آغاز شد. تأکید اصلی در مورد طبیعت و ماهیت رفتار متقابل یا کنش و واکنش استوار است. در این زمینه، بکر چنین می‌گوید:

«انحراف توسط جامعه ایجاد می‌شود. گروه‌های اجتماعی با ایجاد قواعدی که نقض آن، انحراف محسوب می‌شود و با استفاده از آن در اشخاص برچسب خورده، موجب می‌شوند که آنان به عنوان بیگانگان و منحرفان یاد شوند. از این دیدگاه، انحراف کیفیت کاری که شخص مرتکب می‌شود، نیست؛ بلکه نتیجه آن است که دیگران با اعمال قواعد و ضمانت اجراها بر شخص، عنوان بزهکار و منحرف را به او بار می‌کنند» (Liston, 2008: 5).

در این نظریه آنچه اهمیت خاص دارد، بررسی پیامدهای برچسب زدن بوده که به ویژه بر دو نوع آن یعنی «داغ زدن به فرد» و «تغییر تصویر او از خویشتن» تأکید می‌شود که به بازخورد عمومی محکوم کردن شخص بزهکار و برچسب خورده و طرد او از بخشی از جامعه اشاره دارد. شدت این انحراف موجب می‌شود که دومین پیامد برچسب‌زنی، خود را نمایان سازد و شخص حکم جامعه را نسبت به خود بپذیرد و در نتیجه تصور خود را مطابق با آن تغییر دهد و پیش‌بینی تبدیل به واقعیت گردد و تشدید انحراف رخ دهد (دادستان، ۱۳۹۰: ۲۰).

در خصوص کسانی که برچسب می‌زنند، علاوه بر نهادهای عدالت کیفری می‌توان به خانواده، همسالان و جامعه اشاره کرد. برخی پژوهش‌ها، برچسب‌زنی توسط جامعه و اعضای خانواده را دارای تأثیر بیشتری در افزایش بزهکاری می‌دانند (عباچی، ۱۳۸۸: ۶۱).

1. Edwin Lemert.

۲. البته در این خصوص که چه کسی برای اولین بار از این اصطلاح استفاده نموده، اختلاف نظر وجود دارد. در منبع بالا از لمرت نام برده شد؛ اما برخی آن را به تانن بام (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۹۴) و یا اریکسون نسبت داده‌اند (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

برای جلوگیری از این موضوع باید توجه را نه بر رفتار کج‌روها، بلکه بر رفتار اشخاصی که واکنش نشان می‌دهند، متمرکز کرد؛ زیرا رخ دادن برچسب‌زنی، خود زمینه‌ساز بسیاری از مسائل همچون ادامه بزهکاری و افتادن در دام باندهای بزهکاری است (Cullen & Agnew & Wilcox, 2011: 239). بنابراین برای برچسب‌زدایی شخص برچسب‌خورده، علاوه بر تلاش خود او، باید اطرافیان هم او را در این امر مشایعت کرده و دیگر او را منحرف قلمداد نکنند.

در زمان همسایه‌ها، دو کودک برچسب‌خورده دیده می‌شوند؛ نخست، ابراهیم که اگرچه بارها به اعمال منافی عفت دست زده، اما هیچ‌گاه توسط دیگران و همسایگان این موضوع کشف نمی‌شود تا اینکه صنم، بانو و ابراهیم را در کاهدانی رحیم خرکچی می‌بیند و تو حیاط بالحنی تمسخرآمیز گل می‌زند که ابراهیم داماد شد. نتیجه این رسوایی و برچسب‌خوردگی، فرار ابراهیم از خانه است:

«هوا را پس می‌بیند، مثل شهاب از کاهدانی بیرون می‌زند به چاک، بانو دامنش را می‌کشد، روی زانوهای کوره‌بسته و تو کاهدانی چنک می‌زند» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۲۲).

چنین عملی توسط صنم، ناشی از نادانی و نبود نیروی تعقل در این شخصیت است؛ زیرا بدون اندیشیدن به کاری دست می‌زند که نابودی ابراهیم و به ویژه دخترک را به بار می‌آورد.^۱ دختر در طول زمان، بارها توسط همسایگان به خاطر این عمل سرزنش می‌شود. محمود با نگاه مقایسه‌ای خود، در فرایندی دیگر به بیماری حسنگ - یکی از کودکان داخل زمان - به خاطر مقاربت جنسی اشاره و آنگاه به رازداری خالد و فروش کبوتران خود برای مداوای او اشاره می‌کند:

«راه می‌افتم و می‌روم که برای حسنی سوزن بخرم. به ابراهیم چیزی نگفتم. تا برگردم، حسنی هم از کوره‌پزخانه آمده است. باید بیرمش پیش علی آقا. یک جوری باید کلک سوار کنیم که مش‌رحیم سر از کار در نیاورد» (همان، ۱۶۹).

۱. به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی در فضای فرهنگی حاکم در جامعه فعلی ایران به ویژه در شهرهای کوچک، همچنان وجود دارد؛ زیرا کشف رسمی (ضابطان و ورود دستگاه عدالت کیفری) و غیر رسمی (خانواده‌ها، بستگان و آشنایان) در شهرهای کوچک موجب منزوی شدن چنین کودکانی و حتی کوچ اجباری خانواده‌های آنان می‌شود.

شخصیتی دیگر که برچسب خوردگی را تجربه می‌کند، خالد است که به اشتباه پایش به کلانتری باز می‌شود:

«هنوز زردی کم‌رنگ آفتاب لب بام است که غلامعلی خان همراه یک پاسبان پیدا می‌شود... تو دالان کلانتری گروهبان کوتاه‌قدی که سیبلش حنایی و سرش تاس است... از غلامعلی خان می‌پرسد: اینه؟...» (همان: ۴۴).

اگرچه او شیشه خانه غلامعلی خان را نشکسته، اما با وساطت امان‌آقا، غلامعلی خان رضایت می‌دهد و او بیرون می‌آید. مجازات کمانه‌ای این انگ‌زنی، در موارد مختلف گریبانگیر خالد می‌شود؛ برای مثال وقتی او به خانه برمی‌گردد، پدر خطاب به مادر می‌گوید:

«تو بچه را خراب کردی... تو... حالا که دیگه پاش به کلانتری باز شده است...» (همان: ۴۶).

حتی زمانی که خالد را به خاطر اعلامیه به دادگاه می‌برند و قاضی از طریق غلامعلی خان که اتفاقاً او نیز آنجا کار می‌کند، متوجه ماجرای مابین آنها، که با رضایت حل شده، می‌شود، موضوع رفتن به کلانتری و برچسب خوردگی، موجب تغییر نگاه بازپرس به این نوجوان می‌گردد:

«مرد چاق می‌گوید: از قرار معلوم، همچین سوابق خوبی هم نداری؛ حتی از بچگی مزاحم مردم بودی...» (همان: ۳۱۱).

بنابراین، چنین ذهنیتی در قاضی دادگاه موجبات صدور حکم زندان را برای او فراهم می‌کند.

۳-۳. بزه عنصری جذاب؛ نظریه رابطه اجتماعی^۱

نظریه رابطه اجتماعی هیرشی^۲ را شناخته شده‌ترین و پُراستادترین نظریه کنترل -به‌ویژه در سه دهه گذشته- به شمار آورده‌اند و تمرکز اصلی آن بر روی مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان استوار است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۷: ۱۶۵). هیرشی در کتاب *علت*

1. Social bond.

2. Hirshi.

بزهکاری (۱۹۶۹) به دنبال یافتن چرایی عدم ارتکاب جرم توسط اشخاص است؛ زیرا به اعتقاد او، بزه دارای جاذبه بوده و از این رو انسان ذاتاً منحرف و هنجارشکن است. هیرشی با مطالعه بر روی دانش‌آموزان، نظریه‌ای مبتنی بر ۴ رکن «وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد» را بنا می‌گذارد. مراد از وابستگی، داشتن عاطفه و حساسیت نسبت به دیگران همانند پدر، مادر، دوستان و به طور کلی نسبت به دیگر اشخاص است. تعهد نیز به معنای سرمایه‌گذاری عقلانی شخص در جامعه همانند تحصیل، یافتن شغل، تشکیل خانواده و... است. درگیری به معنای سرگرم بودن و دل‌مشغولی نسبت به یک امر اجتماعی است. به عبارتی وقتی نوجوان، جذب فعالیت اجتماعی گردد، به همان میزان فرصت ارتکاب بزه را نخواهد داشت. چهارمین عنصر نیز به معنای اعتقاد به پیروی از قاعده‌ها و هنجارهاست که هر چه میزان آن کمتر باشد، احتمال قاعده‌شکنی شخص بیشتر خواهد بود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۷). هیرشی در این میان، مهم‌ترین عامل را همان وابستگی عنوان می‌کند. میزان قدرت وابستگی یا گره‌هایی که شخص نسبت به اشخاص مهم دیگر (والدین، دوستان و الگوهای او) یا نسبت به نهادها (مدرسه، باشگاه و...) دارد، می‌تواند مانع انحراف تلقی گردد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۵: ۲۹۵).

همان‌طور که هیرشی بیان می‌کند، بزهکاری عاملی لذت‌گرایانه و جذب‌کننده دارد و بزهکار را به سمت خود سوق می‌دهد. چنین گفتاری از کلام ابراهیم دوست خالد به روشنی قابل استنباط است:

«دهن ابراهیم آب افتاده است. هر روز همین کارو می‌کنیم...» (محمود، ۱۳۵۷: ۶۱).

با این حال، تعهد، وابستگی و نظارت در خالد، مانع از ادامه بزهکاری جنسی در او، و نبود چنین موضوعی در شخصیت‌های فرعی دیگر همچون خالق، ابراهیم و...، موجب فساد بیشتر در آن‌ها می‌شود. رحیم خرکچی پدر ابراهیم و حسنی علت سر به‌هوا شدن ابراهیم و نافرمانی او را نبود مادر و نظارت او می‌داند؛ از این رو به فکر افتاده است که زن بگیرد:

«... اگر کسی بالای سر حسنی و ابرام نباشد، خراب می‌شن...» (همان: ۱۲۲).

چنین موضوعی یعنی نبود نظارت والدین، عاملی برای شروع بزهکاری شخص تلقی شده که در همه این چهار شخصیت - ابراهیم، حسنی، خالق و چینووق - یافت می‌شود؛ به گونه‌ای که از دست دادن پدر و مخصوصاً مادر، موجب ولگردی‌شان می‌گردد:

«دو روز بعد، دایی‌شان آمد و خرت و پرت‌هایشان را جمع کرد و دست خالق و چینووق را گرفت و بردشان خانه خودش. دو سه ماهی کودکان در نجاری دایی شاگرد یادویی کردند. ولی بعد، هر دو زدند به بی‌عاری، تو بازارها و کوچه‌ها ولو شدند» (همان: ۱۰۳).

و کارشان برای امرار و معاش سرقت است:
 «خالق چند تخم مرغ گش می‌رود» (همان: ۱۲۱).

در خصوص ابراهیم و حسنی هم همین موضوع صدق می‌کند؛ آن‌ها نیز بعد از فوت مادرشان به خاطر نبود وابستگی و تعهد به خانواده، به انواع ارتکاب بزه گرفتار می‌شوند. این حقیقت را که وجود وابستگی به خانواده می‌تواند مانعی در راه بزهکاری باشد، می‌توان در خصوص خالد دید؛ هنگامی که مادر نگران کارهای فرزندش بوده و او نیز بارها به خاطر مادر هم که شده، سعی می‌کند موجبات ناراحتی او را فراهم نکند:

«پا که می‌گذارم تو اتاق خودمان، صدای مادرم را می‌شنوم... کجا بودی خالد؟ تو رختخواب می‌نشینی، نگاهش سرزنش‌کننده است... هیچی مادر... رفتم بیرون... آخه خیلی وقته رفتی بیرون... و دراز می‌کشم توی رختخواب و قسم می‌خورم که دیگر با بلورخانم کاری نداشته باشم» (همان: ۱۶۸).

یا حتی علاوه بر مادر، وابستگی و تعهد او به امان‌آقا، شوهر بلورخانم نیز عاملی برای جلوگیری از فساد در خالد می‌شود:

«بیشتر از امان‌آقا شرم دارم... گاهی می‌شود که دلم نمی‌خواهد تو صورتش نگاه کنم... امان‌آقا عین پسرش دوستم دارد...» (همان: ۶۳).

همان‌طور که بیان شد، این موضوع را می‌توان با نبود مادری مناسب برای شخصیت همسن و سال او ابراهیم مشاهده و مقایسه نمود که گرفتار انواع بزهکارها شده و در همین مسیر باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

تربیت و هدایت صحیح کودکان، شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه انسانی است. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه هستند و سلامت روح و جسم آنها، تضمین‌کننده سلامت جامعه در آینده است. از این رو، بررسی ریشه‌ای مسائل کودکان و از آن جمله بزهکاری آنان، شرط ضروری برای رسیدن به یک جامعه آرمانی است. نمونه‌های روشن چنین کودکانی را در زمان همسایه‌ها به عنوان یک اثر رئالیستی می‌توان دید. محمود کاری نمی‌کند جز آنکه رخدادهای دردناک و فاجعه‌باری را که بر سر این ملت و مردم ستم‌دیده آمده، به درستی نشان دهد. صداقت او در بازگویی رخدادهای همچنان که مکتب واقع‌گرایی می‌طلبد، تحسین برانگیز است؛ به گونه‌ای که بدون خواندن آثار محمود نمی‌توان به درستی وقایع دوران ملی کردن صنعت نفت و جامعه آن دوران خوزستان (تمثیلی از کل کشور) را دریافت. از یک‌سو با توجه به آشنایی بالای نویسنده با حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و از سوی دیگر استفاده از تجربه‌ها و مشاهدات مستقیم وی از کودکی یا زندگی اشخاص پیرامونش موجب شده تا کودکان و آسیب‌های اجتماعی آنها جزء دغدغه‌های اصلی‌اش باشد. در این پژوهش، مهم‌ترین وجوه بزهکاری کودکان، فضای حاکم بر زندان آنان و تحلیل آنها بر مبنای جرم‌شناسی نظری مورد توجه بوده است. یافته‌های پژوهش در بخش اول نشان‌دهنده آن است که محمود در حوزه بزهکاری کودکان، تأکید خود را بیشتر بر بزه‌های متوسط و انفرادی قرار داده است. همچنین او اعتقاد دارد که کودکان طبقه فرودست جامعه بیشتر در معرض بزهکاری قرار دارند؛ زیرا آنها دارای تربیت اخلاقی، مذهبی و تحصیلی کمتری هستند. در بخش دوم بیان شده است که محمود در حوزه پاسخ‌شناسی به بزهکاری کودکان، حبس را مهم‌ترین پاسخ آن دوران به این نوع بزه‌ها معرفی کرده است. او هدف از اعمال حبس را بیشتر سلب توان ارتکاب بزه بدون توجه به جداسازی زندانیان کودک از بزرگسال، عدم توجه به پرونده شخصیت و نبود تغذیه مناسب و در یک کلام بی‌توجهی به بازپروری کودکان در آن دوران می‌داند. چنین زمینه‌های موجب می‌شود تا در بخش آخر مقاله، در پی ریشه‌یابی

بزهکاری کودکان از منظر نظریه‌های معاشرت ترجیحی، برچسب‌زنی و کنترل اجتماعی باشیم. یافته‌های این بخش نشان‌دهنده آن است که همنشینی با دوستان ناباب، انگ‌زنی نوجوانان و نداشتن تعهد کافی به خانواده، نقش اساسی را در بزهکار شدن کودکان ایفا می‌کرده است.

با توجه به اینکه بسیاری از شرایط موجود در داستان همسایه‌ها همچنان در جامعه ایرانی و حتی در زندان‌های کشورمان وجود دارد، از این رو مقاله حاضر از یک سو می‌تواند تلنگری برای سیاست‌گذاران جنایی ایران باشد و از سوی دیگر، این کتاب منبعی برای ایجاد تنوع در تدریس جرم‌شناسی و حتی کیفرشناسی در دانشکده‌های حقوق به حساب آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، جهش، ۱۳۹۹ ش.
۲. آلبرشت، هانس یورگ، *ازدحام در زندان‌ها*، ترجمه حسین غلامی، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۳. ایمانی، عباس، *جرم‌شناسی در ادبیات*، چاپ دوم، تهران، نامه هستی، ۱۳۹۰ ش.
۴. یخارایی، احمد، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ چهارم، تهران، پیام نور، ۱۳۹۱ ش.
۵. بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، مجد، ۱۳۹۱ ش.
۶. پاینده، حسین، *داستان کوتاه در ایران؛ داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی*، چاپ سوم، تهران، نیلوفر، ۱۳۹۵ ش.
۷. پوت‌واین، دیوید، و آیدن سامونز، *روانشناسی و جرم*، ترجمه داوود نجفی توانا، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۸. پورحسن سنگری، علی، «بررسی قصه‌های کلیله و دمنه از منظر جرم‌شناسی و سیاست جنایی»، *فصلنامه تعالی حقوق*، سال پنجم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۹. جوانمردی، محمد، حسین آقایی میبیدی، و محمدعلی مهدوی ثابت، «تحلیل مفهوم و تفاوت‌های جرایم شدید از اشد»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، دوره چهاردهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۱۰. حاتمی‌نژاد، حسین و دیگران، «تحلیل جغرافیایی پیرامون اثرگذاری کالبد مناطق شهری بر ایجاد جرم: نمونه موردی: سکوتگاه‌های غیر رسمی مشهد»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۱۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، مریم‌سادات تقی‌زاده، و سعید عطارزاده، «مجرمان حرفه‌ای در پرتو یافته‌های جرم‌شناختی و سیاست کیفری ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، سال هشتم، شماره ۳ (پیاپی ۳۱)، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۱۲. دادستان، پریخ، *روانشناسی جنایی*، چاپ نهم، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد، *درآمدی بر جرم‌شناسی*، تهران، سمت، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. رحمدل، منصور، «رهبری بانند مجرمانه و تشدید مجازات»، *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دوره هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۱۵. رستمی، هادی، و سیدحسن جعفریان، «گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در "آخرین روز یک محکوم"»، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۶. رستمی، هادی، و علی مولاییگی، «تبیین بزه‌دیدگی کودکان در داستان "مدیر مدرسه" از منظر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسانه»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره بیست و سوم، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹ ش.
۱۷. همان‌ها، «خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره بیستم، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۶ ش.
۱۸. همان‌ها، «رمان سال‌های ابری در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره پانزدهم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۹. رضوانی، روح‌الله، «تحلیل محتوا»، *دوفصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی*، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.

۲۰. رضوانی، سودابه، ام‌البنین رمضان‌زاده، و سعیده قاسمی‌پور، «حقوق بهداشتی، روانی و آموزش پزشکی زندانیان با تأکید بر حقوق معتادان محبوس»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۲۱. صفریان، محمد و دیگران، «بررسی نمایه تغذیه سالم در زندان مرکزی مشهد در سال ۱۳۸۷»، فصلنامه علوم غذایی و تغذیه، دوره یازدهم، شماره پیاپی ۴۲، بهار ۱۳۹۳ ش.
۲۲. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. غلامی، حسین، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۴. غلامی، حسین، حسنعلی مؤذن‌زادگان، و مسلم جمشیدی، «اقدامات پلیس در پیشگیری از وقوع جرایم کودکان و نوجوانان»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۲۵. فعله‌گری، مصطفی، کارنامه سرگذشت داستان‌نویسان امروز ایران «از انقلاب مشروطه تا ۱۳۹۰»، تهران، روزگار، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. کسن، موریس، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق، چاپ سوم، تهران، دادگستر، ۱۳۹۴ ش.
۲۷. گسن، ریموند، «هسته‌های بسیار فعال نوجوانان بزهکار»، ترجمه عباس تدین، فصلنامه فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۴)، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۲۸. لطفی، عزت‌الله و دیگران، «بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر جرم در کشور، رهیافت تکنیک داده‌های ترکیبی (مطالعه موردی سرقت و قتل)»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۲۹. محسنی تبریزی، علیرضا، و ستار پروین، «بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۳۰. محمدی، سایر، حرف واژه‌ها (گفتگوی سایر محمدی با احمد محمود و...)، تهران، آبی، ۱۳۸۴ ش.
۳۱. محمود، احمد، همسایه‌ها، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز، «رویکردی نو در شناخت زیست محکومان»، مقاله در: دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، به کوشش عباس شیری، تهران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۳۳. میرعابدینی، حسین، هشتاد سال داستان کوتاه ایران، چاپ سوم، تهران، کتاب خورشید، ۱۳۹۳ ش.
۳۴. میرکمالی، سیدعلیرضا، و انسبه حسینی، «کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، به کوشش مهدی صبوری‌پور، ۱۳۹۱ ش. قابل دسترس در وبگاه: www.lawtest.ir.
۳۶. همو (زیر نظر)، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حمید هاشم‌بیگی، دانش‌نامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵ ش.
۳۸. نوبهار، رحیم، «جستاری در مبانی تقسیم‌بندی حد - تعزیر در فقه کیفری اسلام»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره شانزدهم، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۳۹. نیازپور، امیرحسین، «تحلیل جرم‌شناسانه جداسازی زندانیان؛ با نگاهی به "آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان"»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتادم، شماره ۹۶، زمستان ۱۳۹۵ ش.

۴۰. ویانت، برایان، و هالی هارنر، «فقیر بودن در زندان بررسی فراوانی و منابع استرس مالی در زندان در میان نمونه‌ای از زندانیان مرد»، ترجمه شیرین بیات، مقاله در: *دانشنامه جرم‌شناسی محکومان*، به کوشش عباس شیری، تهران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۴۱. ویلیامز، فرانک پی. و ماری لین دی. مک‌شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
42. Chang, Li-Ching, "The Research of Comparison between Law and Literature: As Illustrated by Kafka's 'The Trial'", *National Taiwan University Law Review*, Vol. 3(1), 2008.
43. Cullen, Francis T. & Robert Agnew & Pamela Wilcox, *Criminological Theory: Past to Present*, Oxford University Press, Inc, 2011.
44. Liston, Ruth Alexandra, "The Child in Criminology: Site of Intervention, Site of Control, Site of Blame", *Social Engagement, Empowerment and Change*, Issue 11, Spring 2008.

